



ISC
Islamic Studies Center
01220-86613
کدهمایش

هشتمین همایش ملی حکیم سبزواری، طراحی و آسیب شناسی برنامه
درسی و متون آموزشی فلسفه اسلامی

8th National Conference in Honor of Hakim Sabzevari, Designing
and Pathology of Curriculum And Textbooks of Islamic Philosophy

عنوان مقاله: بایستگی های فلسفه برای کودکان 10 تا 12 سال

میترا شمس آبادی / سید محمد کاظم علوی¹

چکیده

فلسفه برای کودک بر بهبود خردورزی و مولفه های آن (حل مسئله، تفکر انتقادی و تفکر خلاق) موثر است. روش های تدریس: شبیه سازی، مشارکت، بازی و کار گروهی است. مربی فلسفه برای کودکان باید ویژگی هایی همچون آزاد اندیشی، مشتاق بودن در تحقیق، کنجکاوی در مورد معنا را داشته باشد. در آموزش فلسفه به کودکان باید به سوالات جهان چگونه پدید آمده است؟ چرا ما به دنیا آمده ایم؟ و... پاسخ داده شود و آن ها را به تفکر درباره معنای هستی و علت وجودی خویش وای می دارد و زمینه ساز گفتگویی معنادار و سودمند می شود. متیولیپمن پیشگام در آموزش فلسفه به کودکان است او معتقد است دانش آموزان باید با استفاده از آموزش فلسفه به مهارت های فکری و تجزیه و تحلیل و قضاوت دست یابند و به منظور تحریک انگیزه های مسئولیت پذیری و روحیه انتقادی انجام می شود. فلسفه با طرح فرایندی از فعالیت ها به کمک داستان، تفکر را از دوران کودکی توسعه می دهد مهم ترین مسائلی که در آموزش فلسفه مطرح می شود، تشخیص امور بدیهی، کشف تناقض، فرضیه سازی و انعطاف پذیری و سعه ی صدر است.

کلیدواژه ها: فلسفه ، کودک ، آموزش ، تفکر ، مهارت

¹ دانشگاه حکیم سبزواری + mit.shams@gmail.com / smk.alavi@hsu.ac.ir

مقدمه

هر انسانی از ابتدای زندگی خویش در حال آموزش است. بخشی از این آموزش توسط نظام آموزشی حاکم بر جامعه، اکتساب یا رشد می‌یابد. این که آموزش و پرورش چه تدابیری برای شیوه‌ی آموزش محصلین در نظر گرفته بسیار حائز اهمیت است چون دانش آموزان مانند بذر گل هستند که اگر به درستی به آن‌ها رسیدگی نشود حاصل، باغ گلی پژمرده است و این کودکان امروز هستند که جامعه فردا را تشکیل می‌دهند زیرا آن‌ها را باید از پایه درست تربیت نمود. روش پژوهش پیش رو روش توصیفی-تحلیلی است و روش گردآوری اطلاعات به صورت مطالعات کتابخانه‌ای و گردآوری از مقالات و کتب مرتبط با این موضوع بوده است. یکی از مکاتب فکری آموزش و پرورش مکتب وجودگرایی است که اهداف این مکتب رشد و گسترش آگاهی شخص، ایجاد فرصت برای انتخاب آزاد و اخلاقی، ترغیب خودشناسی و رشد حس مسئولیت فردی است و برنامه درسی این مکتب، آزادی دانش آموز برای فعالیت در گروه یا تنها، تأکید بر موضوعات و مطالعات انسان گرایانه مانند تاریخ، هنر، ادبیات، فلسفه و مذهب است.

درباره‌ی پیشینه‌ی فلسفه برای کودکان در ایران برخی برآنند که ابوریحان بیرونی اولین کسی است که با نگارش کتاب التفهیم (درباره آموزش مقدمات ریاضی و نجوم به کودکان) و تقدیم آن به کودکی خیالی، است. نخست کودکی خیالی پرسش‌هایی را مطرح می‌کند و سپس ابوریحان به پاسخ آن‌ها می‌پردازد. متأسفانه بعد از ابوریحان کسی این راه را پیش نگرفت و این شیوه بدیع آموزشی به فراموشی سپرده شد.

ماهیت فلسفه برای کودکان

فلسفه برای کودکان برنامه‌ای برای افزایش مهارت تفکر نقاد و خلاق در درک مسائل فلسفی نزد کودکان است. این برنامه در پی جریانی است که پرسیدن و به عبارتی فلسفیدن را به کودکان آموزش دهد. در این طرح، آموزش علوم در مدرسه‌ها به صورت تعامل میان دانش آموزان و آموزگار

به شکل خلاق و نقادانه انجام می شود، یعنی این دانش آموزان هستند که با یکدیگر به گفتگو و طرح پرسش درباره مباحث درس و سرانجام یافتن پاسخی برای پرسش های خود می پردازند. آموزگار تنها راهنمای آنان در این مسیر است، نه آن که دانش را به صورت آماده در اختیار دانش آموزان بگذارند.

هدف از آموزش فلسفه به معنای رایج کلمه به کودکان و نوجوانان نیست و هدف اصلی برنامه فلسفه برای کودکان و نوجوانان بالا بردن و تقویت قدرت تشخیص و تمییز، استدلال و داوری آنهاست و در عین حال آشنایی آنها با برخی مفاهیم مورد علاقه و مورد نیازشان از اهداف این برنامه است.

اصطلاح فلسفه در این کاربرد، نه نام دانشی خاص، بلکه یک مهارت است، مهارت تفکر منطقی - تحلیلی اثربخش، نقاد و خلاق است از این رو، منطق چهارچوب اصلی فلسفه برای کودکان را تشکیل می دهد. به همین جهت، برخی اشتراک معنایی آن را با فلسفه، به معنای مابعدالطبیعه، تنها در روش بحث آن ها دانسته اند. البته همه ی فن، هم نظرند که فلسفه برای کودکان تنها یک فعالیت عقلانی منطقی نیست که کودک در آن روش درست استدلال کردن را بیاموزد بلکه مواجهه خاص با پیرامون است که مزایا و فواید جانبی گوناگونی دارد. که از مهم ترین و شاخص ترین آنها، رشد اعتماد بنفس و خودباوری در کودکان، توجه به استدلال در سخنان، رشد همکاری در میان آنها، ارتقای سطح داوری و موارد دیگری است که همه ی اینها غیر از منطق اند.

هدف ها و فایده طرح آموزش فلسفه برای کودکان

هدف آموزش فلسفه به کودکان اصلاح وضعیت آموزشی و تربیتی کودکان است. به گونه ای که فراگیری درس ها از روش تقلیدی کنونی به روش اجتهادی و انتقادی دگرگون شود که در صورت اجرای درست آن، توانایی هایی برای کودک به ارمغان می آورد که نه تنها در پیشرفت تحصیلی او، بلکه در کل جریان زندگی اجتماعی اش تاثیرگذار خواهد بود. همچنین کودک را به گونه ای بار می آورد که در برابر شبهه های دینی به آسانی فریب نخورد و از سویی دیگر، هر خرافه ای را نیز به نام دین نپذیرد. در اینجا به برخی از فایده های آموزش فلسفه به کودکان به صورت فهرست وار اشاره خواهیم کرد:

1- ایجاد خودباوری و بالابردن اعتماد به نفس در کودک

- 2- بروز استعداد های پنهان و شکوفایی آن
- 3- قدرت مقابله با مشکلات
- 4- قدرت نقادی و پرورش خلاقیت
- 5- مقابله با شستشوی مغزی و تبلیغات سوء

ضرورت اجرای طرح آموزش فلسفه برای کودکان در ایران

بی شک رسیدن به قله های بلند پیشرفت و دست یابی به اهداف بلند مدت کشور در زمینه های فرهنگی سیاسی، اقتصادی و... با ترجمه و تقلید از آثار دیگران امکان پذیر نخواهد شد. بلکه باید با اعتماد به نفس و خلاقیت، به نوآوری در تمامی در عرصه های علمی اعم از علوم تجربی و علوم انسانی دست زد. این امر بدون فراهم آوردن بستر مناسبی برای آن در جامعه به طور کامل عملی نخواهد شد. باید اقدام های بنیادین در این زمینه صورت گیرد، یعنی پرورش کودکانی با اعتماد به نفس بالا، خلاق و نقاد و دارای روحیه خود اصلاح گری برای فردای کشور.

چگونگی اجرای آموزش در کلاس

داستان به آموزش کمک می کند، زیرا گذشته از جذابیت داستان برای کودکان، درک آن نیز برای کودک آسان است. فایده دیگر داستان این است که کودک را به خیال پردازی که گام نخست اندیشیدن و خلاقیت است، وامی دارد.

البته نقش معلم در این برنامه، غیرمستقیم است و به اصطلاح معلم محوری نیست بلکه آموزگار باید گفتگو را بین کودکان رواج دهد. (باقری، «اهمیت اجرای برنامه فلسفه برای کودکان و همسویی آن با تعلیم و تربیت اسلامی» p4c.ir) از این رو روش اداره این گونه کلاس ها، متفاوت از روشی است که در کلاس های فعلی رایج است. مهم ترین بحث کلاس، طرح پرسش درباره داستان و مباحثه دانش آموزان درباره آن است.

در اواخر سال های 1960 زمانی که متیو لیپمن در دانشگاه کلمبیا واقع در نیویورک در رشته ی فلسفه مشغول تدریس بود متوجه شد که دانشجویانش فاقد قدرت استدلال و قدرت تمیز و داوری هستند و همچنین متوجه شد که برای این که قدرت تفکر این دانشجویان به طور قابل ملاحظه ای تقویت شود، دیگر بسیار دیر شده است او به این فکر افتاد که این کار می بایست در دوران کودکی انجام شود. باید کودکان وقتی در سن ده یا دوازده سالگی بودند، یک سری دوره های درسی در خصوص تفکر انتقادی یا حل مسئله می گذراندند.

اما برای تهیه‌ی موضوعی قابل فهم و مورد پسند کودکان و نوجوانان، بایستی متون درسی به صورت داستان نوشته می‌شد داستانی درباره‌ی منطق اکتشافی کودکان. اما این کار نیز باید با دقت و ظرافت بسیار انجام می‌گرفت. این داستان‌ها باید راجع به فلسفه مورد اکتشاف کودکان می‌بود. لیپمن در سال 1970 این کتاب را به آزمایش گذاشت و به نظر می‌رسید به خوبی کارگر افتاده است در پی آن برای معلمان یک کتاب راهنما که شامل صدها تمرین فلسفی بود، نوشته شد. آن کتاب هم به خوبی نتیجه‌بخش بود. پس از چند سال کتاب لیزا که منحصرًا مربوط به اخلاقیات بود و کتاب تکمله کتاب هری بود و به کودکانی اختصاص داشت که اندکی بزرگتر بودند نوشته شد. کتاب‌های بیشتر و بیشتری نوشته شد که هر کدام ویژه‌ی سطوح سنی خاصی بود. این کتاب‌ها به همراه کتاب‌های راهنمای کمک آموزش بودند؛ همچنین مجموعه‌ی متنوعی از کتاب‌های نظری تالیف و منتشر شد.

استخوان‌بندی برنامه‌ی فلسفه برای کودکان و نوجوانان به تدریج در دانشگاه مونته‌کلیو شکل گرفت و یا علاوه بر فراهم آوردن کتاب‌های درسی، طرح آموزشی واحدی پیدا کرد که در آن دانش‌آموزان سطوح مختلف با قرائت بخشی از داستان با صدای بلند کلاس را آغاز می‌کنند به این صورت که بچه‌های یک کلاس به همراه معلمشان حلقه‌وار دور هم می‌نشینند و رو در روی هم با یکدیگر به مباحثه می‌پردازند. شاگردان قسمت تعیین شده‌ی کتاب را با صدای بلند می‌خوانند البته نه بیشتر از یک پاراگراف در هر بار، توزیع یکسان وقت هم در میان کودکان نباید فراموش شود که پیامدها و استلزامات دموکراتیکی به همراه دارد وقتی قرائت یک پاراگراف تمام شد معلم با این پرسش‌ها شروع می‌کند: آیا در این متن چیز مبهمی برای شما وجود دارد؟ آیا می‌توانید احساس خود را در قالب یک پرسش بیان کنید؟ سپس معلم پرسش هر دانش‌آموز را بر روی تخته سیاه می‌نویسد و نام دانش‌آموز را به همراه شماره‌ی صفحه مورد بحث را در کنار آن یادداشت می‌کند. پس از آن می‌پرسد چه کسی می‌خواهد بحث را آغاز کند، دست‌ها بالا می‌رود و معلم یکی از دانش‌آموزان را انتخاب می‌کند تا درباره‌ی پرسش‌های نوشته شده بر روی تخته بحث را شروع کند. در لحظه‌ی مناسب، معلم ممکن است تمرینی را در خصوص آن موضوع خاص از کتاب کمک آموزشی مطرح کند. فرض کنید که پرسش چیزی شبیه به این است: آیا هری و بیل دوست هم هستند؟ بزودی کودکان شروع به درک این نکته خواهند کرد که مفهوم دوستی، مبهم یا دو پهلو است یا هر دو ایراد را دارد و بدین ترتیب معلم می‌تواند بحثی را در زمینه‌ی ماهیت «دوستی» مطرح کند. بدین طریق، کودکان با مفهوم دوستی آشنا و درگیر می‌شوند و پیشرفت کار می‌تواند آن‌ها را نه تنها در فلسفه، بلکه در تمامی مطالعاتی که در آن‌ها با مفاهیمی سر و کار دارند کمک کند. این روشی است که فکر آن‌ها را بر می‌انگیزد و تا زمانی که قابلیت نقادی و

خودانتقادی را در آنها پدید نیاورد، آرام نمی‌گیرد و این به نوبه خود آنها را به «خود-اصلاحی» سوق می‌دهد

برخی چالش‌های فراوری اجرای طرح

بی‌شک رشد تفکر انتقادی در کودکان می‌تواند پی‌آمد مهمی داشته باشد. منتهی به نظر می‌آید که باید کمی جسارت و شجاعت به خرج داد و خود را در حصار که طراحان اولیه این برنامه تعریف کرده‌اند، محدود نساخت و از آنجا که منطق وسیله‌ای قانونمند است که رعایت آن، موجب صیانت فکر از خطا و لغزش می‌شود، عنوان فلسفه برای کودکان به منطق بسیار نزدیک‌تر است تا فلسفه، چنانچه برخی از محققان این فن، اذعان داشته‌اند که منطق، چارچوب اصلی فلسفه برای کودکان است. خلاصه آنکه ما نیز به رشد تفکر انتقادی ارج می‌نهیم و منطق را زیر بنای فلسفه میدانیم و اهمیت بسیاری نیز برای آن قائلیم اما همان آموزه‌های منطقی ما را و ما می‌دارد که برای جلوگیری از مغالطه در استدلال از کاربرد واژگان مشترک لفظی جلوگیری کنیم. تا از وقوع هر گونه انحراف در مسیر برنامه پیشگیری شود.

برخی به طور کلی روش فراگیری از آموزگار را روش مستبدانه در آموزش دانستند و برنامه آموزش فلسفه به کودکان را رقیبی برای نظام آموزشی کشور برشمردند. به ادعای اینان، این برنامه به مقابله با استبداد آموزشی (فراگیری دانش آموز از آموزگار) می‌پردازد و شیوه نوینی را جایگزین روش رایج آموزش در کشور می‌کند. اینان نقش آموزگار را در تمامی زمینه‌ها در حد هدایت‌کننده گفتگو در میان دانش‌آموزان محدود کرده‌اند و برآنند که این خود دانش‌آموزانند که باید درباره حل پرسش‌های خود یکدیگر را یاری رسانند. حال پرسش این است که کودکان براساس چه داده‌هایی باید این پرسش‌ها را حل کنند و یا به بررسی آن بپردازند؟ آن اطلاعات یا از چه طریق کسب کرده‌اند؟ آیا این آموزگار نیست که باید در این زمینه نقش خود را ایفا کند؟ و به نظر می‌آید در اینجا نیز باید از افراط و تفریط پرهیز کرد و به طور مطلق تعلیم و تعلم را خطا نشمرد بلکه باید این دو شیوه را مکمل یکدیگر دانست. دانش‌آموزان در کنار فراگیری درس از آموزگار، با شرکت در کلاس‌های فلسفه برای کودکان، پرسشگری و انتقاد را نیز می‌آموزند. از این رو، جرات بیان دیدگاه‌های خود و یا نقد دیدگاه آموزگار را پیدا می‌کنند و نقش پررنگ‌تری در کلاس می‌یابند و این همان مطلوب ماست. در غیر این صورت این برنامه خود می‌تواند مشکلی

برای نظام آموزشی کشور ایجاد کند ، گذشته از این که در دیگر کشورها نیز درباره‌ی این برنامه چنین ادعایی نکرده‌اند.

پیدایش و تکمیل این برنامه

7

پیدایش فلسفه برای کودکان و نوجوانان بر ضرورت تعلیم تفکر و تأمل و نفی آموزش صرف «حفظ کردن» تأکید می‌کند. برای کودکان کافی نیست که فقط آن چه را به آن‌ها گفته می‌شود به حافظه سپرده و سپس به یاد بیاورند بلکه آنها باید موضوع مورد نظر را آزموده و تجزیه تحلیل کنند. درست همانطور که فرایند تفکر، پردازش اموری است که کودکان درباره جهان و از طریق حواسشان یاد می‌گیرند، آن‌ها نیز باید درباره آنچه در مدرسه یاد می‌گیرند، بیندیشند. حفظ کردن مطالب یک مهارت فکری کم ارزش و سطح پایینی است. به کودکان باید مفهوم سازی، داوری و تمیز امور از یکدیگر، استدلال و اموری از این قبیل را یاد داد. آموزشی کوچک اما فشرده که به واسطه‌ی این طرح به عمل آمد، نشان داد که امکان آن وجود دارد به کودکان استدلال قیاسی و اصلاح شده‌ای را یاد داد. بدون اینکه این کار آموزش برای امتحان باشد. این آزمایش نشان داد که با ارائه این برنامه می‌توان به آنها یاد داد تا در مسائل مربوط به استدلال‌های صوری 27 هفته سن هوشی بالاتری داشته باشند و آزمایش‌های بعدی نشان داد که این اختلاف سن یا ضریب هوشی پس از بیست سال نیز حفظ می‌شود.

تایید برنامه فلسفه برای کودکان

این برنامه در سراسر جهان دستاوردهای بسیار جالب و قابل توجهی داشته است که نشان دهنده‌ی ضعف و نقص بسیاری از نظریات آموزشی رایج و سنتی است. این برنامه نشان می‌دهد تا آنچه آموزش پرورش سنتی در جهان از آن ناامید گشته به راحتی به واسطه‌ی این برنامه قابل حصول است. بسیاری از توانایی‌ها و مهارت‌ها که شامل مهارت‌های فردی و اجتماعی می‌شوند و نیز منش و اخلاقیات دانش آموزان و مهم‌تر از همه معناداری و هویت یابی زندگی آن‌ها به راحتی با ورود فلسفه و کند و کاو فلسفی در مدارس محقق می‌گردد

مهارت تفکر فلسفی در شعر کودک

آموزش مهارت‌های فلسفی در شعر برخی از شاعران کودک و نوجوان از جمله غلامرضا بکتاش و ناصرکشاورز مشاهده می‌شود. والدین و مربیان با

خواندن نمونه اشعار برای کودکان می‌تواند کمک شایانی به آنها کرده تا از این طریق برخی از مسائل زندگی را تجزیه و تحلیل نمایند و در برقراری ارتباط با دیگران و تصمیم‌گیری مهارت بیشتری از خود نشان دهند. در شعر به صورت غیرمستقیم می‌شود تفکر فلسفی را به کودکان آموزش داد و قدرت استدلال و کنجکاوی و مهارت کشف بیشتری از امور زندگی را داشته باشند. در نتیجه اعتماد به نفسشان بالا می‌رود و در برقراری ارتباط با دیگران و تصمیم‌گیری مهارت بیشتری از خود نشان می‌دهند.

تأثیر فلسفه برای کودکان در جامعه

کودکان هر جامعه سرمایه‌های آن جامعه‌اند. سرمایه اگر در اختیار انسان آگاه و کار بلد باشد، افزونش می‌کند و ناشی هدرش می‌دهد. برخورد اصولی و حساب شده با استعداد کودکان باعث شکوفای ذهن و رشد خلاقیت خواهد شد و به بالندگی جامعه خواهد انجامید. متقابلاً رها کردن یا آموزش نادرست زمینه‌ی ظهور نسلی خموده و وابسته را فراهم می‌سازد. رهبر انقلاب اسلامی سال‌ها پیش در ضمن دیدار جمعی از معلمان، فرمودند: «معلم یعنی آن کسی که می‌تواند خصوصیات اخلاقی خوب را در بچه پرورش دهد، معلومات خوب را به کودک بیاموزد، فکر کردن را به کودک بیاموزد استقلال رای را به کودک بیاموزد.» بعدها هم این مهم در روش تذکرات، مطالبات و مثال‌های رهبر انقلاب قرار گرفت، تا جایی که سال گذشته تعبیر فلسفیدن برای کودکان را تعبیری درست خواندند و آن را از کارهای اساسی و رشته‌ای مهم دانستند

نقایص آموزش به کودکان

آموزش و پرورش یا همان تعلیم و تربیت صحیح کودکان از مهم‌ترین پایه‌های تعالی هر جامعه‌ای است. روش‌های یادگیری کلاسیک، معمولاً آموزش و پرورش را به معنی یادگیری مطالب و حفظ آنها تلقی می‌کردند. معلم مطالبی را به شاگرد منتقل می‌کرد و شاگرد آن را بعدها به دیگران انتقال می‌داد. کسی حق به چالش کشیدن استاد را نداشت و نقد و بررسی معلومات استاد کار صحیحی به شمار نمی‌رفت. طبیعی است که این کودکان در آینده با مشکلاتی در حل مسائل خود و دیگران روبرو می‌شدند. زیرا تفکر نقادی نداشتند و این گونه تفکر را آموزش ندیده بودند. در مواجهه با مسائل هم توانایی کاربردی روش‌های نقد و بررسی موشکافانه، تجزیه و تحلیل و سپس قضاوت و داوری درباره‌ی آن را نداشتند (اسکندری، کیانی، 1386: 3)

به نظر ما آنچه که در زندگی بسیار به درد می‌خورد، تفکر نقادی است که به کودک کمک می‌کند درست و غلط را تمیز دهد و در داوریه‌ها جانب صحیح را بگیرد. داشتن این نوع از تفکر از نیازهای مبرم و ضروری جامعه ماست که باید از کودکی به آن پرداخت. به نظر ما، کودکی که با این نوع

تفکر پرورش یابد، تحت تاثیر القائات و تبلیغات سوء و تهاجم فرهنگی دشمن قرار نخواهد گرفت. پایه‌های تفکر عمیق و قوی را باید از کودکی بنا نهاد. کودکی که بیاموزد چگونه بیندیشد، استدلال کند، دلیل بخواند و به ملاک‌ها و معیارها برای تشخیص و داوری توجه کند، هرگز در بزرگسالی تحت تاثیر هر تفکری قرار نخواهد گرفت و راه صواب را از ناصواب تشخیص خواهد داد. به بیان دیگر، این سیستم درست نیست که یک سلسله داده‌هایی را به کودکان بدهیم و آنها را هم پس بدهند و دلشان خوش باشد که بررسی خوانده‌اند. در واقع تمام این داده‌ها بعدها در حل مسائل ذهنی به درد آنها نمی‌خورند. مانند داده‌هایی که به ما دادند و در امتحانات پس دادیم. نتیجه آن هم امروز افزایش مشکلات اجتماعی، مانند بالا رفتن آمار طلاق، اعتیاد و... است. زیرا ما به بچه‌هایمان یاد نداده‌ایم که هر چیزی را ابتدا پردازش و بعد قبول یا رد کنند (جهانی 1381: 39)

یافته‌های پژوهش

انسان تنها موجودی است که داعیه اندیشه و اندیشمندی دارد و به مدد همین امکان؛ فرصت آموزش و یادگیری در بعد فردی و اجتماعی برایش فراهم می‌شود. یکی از عرصه‌هایی که به طور جدی در اعتلای تفکر انسانی موثر واقع شده فلسفه و تفکر فلسفی است. زیرا فلسفه دانش پرسش است و پرسش رگ حیات عقلانی بشر است. اگر چه حضور فلسفه در زندگی انسان موضوع تازه‌ای نیست، اما آنچه امروزه اهمیت ویژه‌ای یافته و به عنوان یک امکان جدید در آغاز راه است، تلاش برای همگانی ساختن فلسفه به ویژه آموزش آن به کودکان است؛ آموزشی که کارکردهای موثر آن از همان ابتدا متوجه زندگی شخصی کودک می‌شود و در مراحل بعدی به بهره‌مند شدن هر چه بیشتر او از فرصت‌های مادی و معنوی در زندگی می‌انجامد و در مجموع ارتقای سطح فرهنگ جامعه را به دنبال خواهد داشت.

در چند دهه‌ی اخیر فلسفیدن و فلسفه‌ورزی به عنوان روشی برای پرورش قوه‌ی فکر، مجدداً در جهان فلسفه تعلیم و تربیت مورد توجه قرار گرفته است. پروفیسور متیو لیپمن مطرح کرده که ذهن کودکان را درگیر مباحث فلسفی کنیم و کنجکاوی طبیعی آنها را با فلسفه مرتبط سازیم، می‌توانیم از آنان متفکرانی بسازیم که بیش از پیش نقاد، انعطاف‌پذیر و موثر باشند. در ایران نیز حدود یک دهه است که چنین مباحثی مطرح شده اند. با آن که مدت زیادی از عمر این برنامه نمی‌گذرد، اما در همین مدت نیز موفقیت‌های نسبی کسب شده است. آموزش نحوی اندیشیدن به کودکان، کانون مرکزی نهضت جهانی فلسفه‌ی کودکان است. فلسفه‌ای که هدف آن پیشبرد اندیشیدن و یادگیری مهارت‌های کلامی است. اما در

عین حال، این برنامه با چالش‌های زیادی، به ویژه در حوزه‌ی نظری، مواجه شده است. در میان در میان چالش‌های عمده‌ی نظری، «امکان» آموزش فلسفه به کودکان با توجه به مفهوم فلسفه، از اولین چالش‌ها بوده است. چه درست یا نادرست، فلسفه موضوعی دشوار تلقی شده است که به تعمق در آرای فلاسفه می‌پردازد و بسیاری از بزرگسالان تحصیل کرده و تحصیل نکرده، در فهم آن با دشواری مواجه‌اند، چه رسد به کودکان. از این رو اولین سوالی که طراحان و حامیان فلسفه برای کودکان با آن مواجه می‌شوند، این است که آیا با چنین تصویری از فلسفه، آموزش فلسفه به کودکان ممکن است؟ چالش دیگر در باب فلسفه برای دیگر کودکان «مفهوم» فلسفه برای کودکان است. اگر بتوان فلسفه را در مفهومی فراتر از فلسفه خواندن و یا فراتر از مکاتب و نظام‌های فلسفی مورد توجه قرار داد، آنچه در فلسفه برای کودکان اولویت دارد، فلسفیدن به معنای تجربه‌ی فلسفی است. چگونه می‌توان کودکان را در تجربه‌های فلسفی مشارکت داد؟ تفکر انتقادی و خلاق شرط انکار ناپذیر آن است، اما نه شرط کافی. محتوای تفکر و جهت‌گیری اندیشه نیز در آن نقش اساسی دارد. در میان سه جهت‌گیری عمده متافیزیکی، معرفت‌شناختی و وجودی نگر که در تاریخ فلسفه قابل رصدند، در فلسفه برای کودکان بر عنصر سوم می‌توان تاکید کرد. سوق دادن تفکر نقادانه به سمت سوال‌هایی که فراتر از مسئله، راز گونه‌اند و عطف تأمل فلسفی کودکان به رازها و نیازهای وجودی، می‌تواند تجربه‌های فلسفی آنها را بارور سازد. عنصر خودشناسی و نسبت آن با گرایش تفکر فلسفی، از مباحث بسیار مهم در فلسفه برای کودکان است.

توجه لیپمن و پیروان وی به رویکرد تحلیلی- منطقی مانع اخذ رویکرد تلفیقی شده است. این تلفیق می‌تواند فلسفه برای جهت‌گیری کودکان را، هم به لحاظ جهت‌گیری و هم به لحاظ روش‌شناسی بارور سازد. جهت‌گیری وجودی نگر در فلسفه برای کودکان با سنت و فرهنگ ایرانی- اسلامی سازگارتر و در یافتن هویت کودکان موثر است. به همین دلیل تدوین الگوهایی که بتواند تجربه‌های فلسفی کودکان را معطوف به رازها و نیازهای وجودی کند، از ضرورت‌های پژوهشی در زمینه‌ی فلسفه برای کودکان است.

آسیب‌های ممکن در آموزش فلسفه به کودکان

یکی از آسیب‌های مهمی که در ابتدای امر باید بدان توجه شود، شتاب زدگی در اجرای طرح فلسفه برای کودک است. در این راستا، آمادگی و پذیرش اجتماعی در عملی شدن این طرح آنقدر اهمیت دارد اگر پذیرش از سوی اجتماع و افراد صورت نگیرد، پیامدهای جبران ناپذیری را برجای خواهد گذاشت که برای اصلاح آن سال‌ها وقت لازم است. لذا این طرح نیز مانند سایر برنامه‌های نظام تعلیم و تربیت در هر کشوری نیازمند مطالعه،

تحقیق و تعمق بسیاری است تا به ناهماهنگی در بخش‌ها و عدم اجرای صحیح طرح یا به بن بست رسیدن و زیر سوال بردن آن از سوی جامعه منجر نشود. برعکس، اگر طرح با احتیاط، مطالعه و دقت لازم و کافی به صورت آزمایشی اجرا شود، از موفقیت و دستیابی به اهداف مورد نظر برخوردار می‌شود و صدمات کمتری را در پی خواهد داشت. در غیر این صورت، به علت نداشتن درک جامع از اجرایی شدن آن، ممکن است در همان ابتدا با شکست روبرو شود. همانطور که گفته شد، یکی از مهم‌ترین ملاک‌های اجرایی شدن هر طرح، رسیدن به پذیرش اجتماعی است که با آموزش و اطلاع‌رسانی از طریق رسانه‌ها و مطبوعات، آموزش و پرورش همگانی و ... می‌توان برای موفقیت در اجرا، به کارایی و اثربخشی آن کمک کرد.

سوال دیگر در زمینه‌ی ورود تفکر انتقادی و فلسفه در آموزش کودکان این است که آیا ممکن است که با تیشه «آموزش فلسفه به کودکان» به ریشه ارزش‌ها و هنجارهای جامعه ضربه بزنیم؟ زیرا هیچ جامعه‌ای دوست ندارد به اصالت و ارزش‌های موجودش به سادگی پشت پا زند و آن‌ها را از درجه‌ی اعتبار ساقط سازد و جایگاه تربیتی خود را در آرمان‌ها، ارزش‌ها و هنجارهایش نقض کند. چرا که اصالت فرهنگی هر اجتماع، با پشتوانه‌های ارزشی آن جامعه پیوند خورده است و پشت پا زدن به آن ارزش‌ها و هنجارها می‌تواند پایه‌های اصیل فرهنگی یک اجتماع را متزلزل سازد و آسیب‌های جدی به ساختار اجتماعی- فرهنگی آن جامعه وارد آورد. بنابراین این سوال مطرح می‌شود که تفکر انتقادی، افراطی و پرسشگری بی‌دلیل در کودکان، آن‌ها را از حالت جامعه‌پذیری خارج می‌کند و به سوی هنجارشکنی سوق می‌دهد. در نتیجه ما با جمعیتی بیمار روبرو می‌شویم که اثرات مخربی را جامعه وارد می‌سازند. البته اگر طرح فلسفه و کودک به درستی و به صورت سنجیده اجرا شود و با غنی سازی فرهنگی، زیربنای آموزشی آن شکل گیرد، با این موضوع به سادگی می‌توان کنار آمد و بازخورد منفی آن کم رنگ تر خواهد شد.

اهداف آموزش فلسفه به کودکان

برای اینکه اهداف این برنامه را بهتر بشناسیم بهتر است انگیزه ایجاد چنین برنامه را دوباره مورد توجه قرار دهیم یعنی آنچه لیمن را وادار کرد این برنامه را طراحی و اجرا کند و آن اینکه دانشجویانش توانایی برخورد عقلانی با مشکلات بین خود را ندارند و او در بررسی این مسئله به این نتیجه رسید که اولاً این افراد آموزش لازم در این زمینه را ندارند. هدف این برنامه، افزایش مهارت‌های فکری کودکان و نوجوانان به گونه‌ای بود که هم در این دوره و هم در دوره بزرگسالی آمادگی برای برخورد معقول با مشکلات زندگی را داشته باشند و بتوانند از مهارت‌های سطح بالای فکری استفاده کنند. اهداف این برنامه از دیدگاه لیمن به شرح زیر می باشد:

پرورش تفکر فعال خلاق -1

پیاژه معتقد است ، یکی از اهداف اساسی آموزش و پرورش ، تربیت انسان هایی است که قابلیت انجام کارهای جدید را داشته باشند و فقط آنچه را که سایر افراد انجام داده اند ، تکرار نکنند ، یعنی تربیت افرادی خلاق و مبتکر و مکتشف در گذشته یکی از اهداف تعلیم و تربیت پرورش افرادی بود که بتوانند با محیط سازگار گردند یعنی شناخت مشکلات و سازگاری با آنها یک هدف عمده به حساب می آمد ولیکن امروزه در تبیین اهداف آموزش و پرورش گام ها بلند تر شده و شکل دهی و آینده در زمره اهداف قرار گرفته است. بر این اساس اگر قرار است کودک ما قدرت شناخت مسائل آینده و سازماندهی آن ها را داشته باشد باید از تفکر خلاق و آفریننده برخوردار باشد . در برنامه فلسفه برای کودکان تلاش می شود از فعالیت هایی نظیر نمایش خلاق ، بازی ها ، نمایش عروسکی و مشارکت در سایر برنامه های هنری استفاده به عمل آید و به کودکان کمک شود تا بتوانند تجارب به خود را بیان کنند.

آموزش ارزشهای هنری -2

برای آموزش هنر لازم است از مفاهیم اساسی فلسفی استفاده کرد و از سوی دیگر برای داشتن درک صحیح از ارزش های هنری لازم است ماهیت ارزشهای هنر شناخته شود و این در زمینه وجود سلسله مباحث فلسفی را جزئی از آموزش هنر معرفی می کند . بنابراین برای اجرای یک برنامه آموزشی هنری مناسب ناخودآگاه طرح مباحث فلسفی مربوط ضروری و لازم جلوه می کند. برنامه فلسفه برای کودکان در آموزش هنر بسیار قابل استفاده است و اجرای آن را موجب درک عمیق تر کودکان از ارزش هنر میشود و باعث توسعه و رشد یادگیری در این حوزه می شود.

لپمن برنامه درسی خود را بر اساس رویکرد مهارتی به سه سطح تقسیم می کند:

الف - مهارت های سطح پایین شامل قصه گوئی - ارائه دلیل - شکل دادن به سوالات - برقراری رابطه - تشخیص دادن و مقایسه کردن

ب - مهارت های سطح میانی شامل شکل دهی مفهوم - تشبیه ، استعاره و قیاس - مجموعه بندی و کشف ابهامات و شکاف ها - رابطه کل و اجزا - تمثیل و طبقه بندی

ج - قیاس شرطی - تعمیم - برگرداندن استنباط متقارن و مجازی - استنباط فوری

او برنامه درس خود را به نحوی طراحی کرده است که در قالب برنامه درسی قرار گیرد و با مهارت های بنیادی خواندن ، نوشتن و حساب کردن تضادی نداشته باشند و مهارت استدلال کردن را به عنوان یک مهارت به مهارت های بنیادی می افزاید

حلقه کندوکاو (اجتماع پژوهشی)

یکی از عناصر اصلی در برنامه درسی فلسفه برای کودکان حلقه کند و کاو می باشد . حلقه کند و کاو یک روش شناسی ایده عال برای کاربردی کردن سه عنصر بسیار مهم به شرح زیر است

تعلیم و تربیت به مشابه یک بازسازی 1-

یادگیری به مشابه تلمز یا کارآموزی معرفت آموز-2

کلاس درسی به عنوان جامعه ای عدالت محور-3

آثار بهره گیری از تفکر در زندگی کودکان

حال باید پرسید، داشتن روحیه فکر کردن چه تاثیری در روحیه و آینده کودک خواهد داشت؟

کودک با به کار انداختن قوه تفکر خود می آموزد که چگونه به طور سنجیده به دلایل استدلال کند و توانایی فکری خود را تقویت کند و بدیت ترتیب در زمان های حساس تصمیم گیری های مناسبی اتخاذ نماید. در ادامه زندگی و در برخورد با مشکلات، این کودک دیروز و نوجوان امروز با تمرینی که در مهارت حل مساله داشته، آموخته است چگونه راه چاره ای برای مشکلات خود بجوید و آن را حل کند. این فرد که اکنون جوانی بالنده شده، آموخته است که همچنان او در ذهن خود روش های مختلفی برای یک مساله دارد و افراد پیرامونش هم اینگونه هستند. از این رو تفاوت سلیقه ها را بر می تابد و هیچوقت عقاید خود را مستبدانه به دیگران تحمیل نمی کنند؛ از طرفی هم به دیگران این اجازه را نمی دهند. چرا که برای آزادی افکار ارزش قائل است. چنین فردی، دیگر در مواجهه با صحنه های مختلف اجتماعی و فرهنگی، دچار باور های غیر اصولی نخواهد شد؛ چرا که آبخور ذهن او منابع اصیل و متقن هستن و در نتیجه به صحیح ترین انتخاب ها رهنمون خواهد شد. او در تهاجم فکری فرهنگی، توانایی تجزیه و تحلیل زوایای آن را خواهد داشت و دیگر اینگونه نخواهد بود که چشم و گوش بسته افکار مسموم با ظاهری زیبا، وی را بفریب و در دام زود باوری بیافتد. چنین فردی که در صحنه جامعه به یک انسان مسئولیت پذیر تبدیل شده است. مسئولیت تصمیمات خود را بر عهده میگیرد و از این رو دقت های لازم را در تصمیم گیری هایش لحاظ می کند.

نتیجه گیری

مقتضیات زمان ما شامل مشکلات هویتی و اخلاقی در نوجوانان و همین طور مسائل علمی می شود که با توجه به روش سریع اطلاعات و داده ها در زمینه های علمی، دیگر دادن اطلاعات علمی به کودکان و نوجوانان در مدارس ارزش خود را از دست داده است. ولی آموزش و پرورش در گذشته و حال بر این امر پافشاری می کند و تنها حافظه کوتاه مدت کودکان را تقویت میکند ولی برنامه فلسفه برای کودکان به کمک افزایش قدرت تفکر و استدلال عقلانی در کودکان، آن ها را مجهز به قدرت داوری و تمییز می کند و اعتماد به نفس را در آن ها بالا می برد و به آن ها در حل بحران ها و مشکلات جامعه یاری می رساند. با این وجود در جامعه متمدن و با فرهنگ ایران و اسلامی ما امید است که بتوان با تکیه بر منابع غنی اسلامی و با بهره گیری از سرمایه های فرهنگی و مستندات تاریخی خود و با همفکری متخصصان و صاحب نظران و نیز با الهام گرفتن از الگوی ارائه شده توسط نظریه پردازان غربی، به تدوین بسته های آموزشی برای برنامه مذکور که متناسب با فرهنگ حاکم بر جامعه باشد دست یافت.

منابع

- امامی، مرضیه (1392)، نقش تفکر در رشد شخصیت کودک، فلسفه و کودک.
- خلعتبری، حسام الدین (1393)، ارزیابی اهداف برنامه آموزش فلسفه برای کودک، فلسفه و کودک.
- رابرت فیشر، (1385) آموزش تفکر به کودکان، ترجمه دکتر صفایی مقدم، نشر رسمش، تهران.
- سلطان قرائی، خلیل و اکبر سلیمان تژاد (1387)، تفکر انتقادی و ضرورت آموزش آن، فصلنامه تربیت اسلامی.
- شعبانی، حسن (1382)، روش تدریس پیشرفته (آموزش مهارتها و راهبردهای تفکر) انتشارات سمت.
- قرا ملک، احد فرامرز «فلسفه برای کودکان از تفکر منطقی تا تجارب فلسفی»، سایت فلسفه و کودک، بنیاد حکمت اسلامی صدا